



امنیت غذایی و حکمرانی پایدار

بیانیه نهایی

هم اندیشه

سیاستگذاران منابع آب

باعنوان

امنیت غذایی و

حکمرانی پایدار

محورهای هم اندیشه:

امنیت غذایی

حکمرانی پایدار

مدیریت منابع

جنبه های نهادی، حقوق و ساختاری

جنبه های فرهنگ رسانه

پنجشنبه، ۱۳ اسفند ماه ۱۳۹۴

تهران، وزارت جهاد کشاورزی

دبیر خانه هم اندیشی:

تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از چهارراه ولیعصر (عج)، نبش خیابان شهید بالاور

(ساختمان معاونت پژوهشی دانشگاه صنعتی امیرکبیر)، طبقه چهارم

مرکز تحقیقات مهندسی منابع دانشگاه صنعتی امیرکبیر

شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۴۹۵۴۱۹ ۰۲۱-۶۶۴۹۵۴۲۰

فکس: ۰۲۱-۶۶۴۹۵۴۱۹ (داخلی ۲) پست الکترونیکی: INFO@PSGR.IR





بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانیه دومین هم اندیشی سیاست گذاران منابع آب

با عنوان

امنیت غذایی و حکمرانی پایدار آب

اسفندماه ۹۴



دومین هم‌اندیشی سیاست‌گذاران منابع آب کشور با موضوع امنیت غذایی و حکمرانی پایدار آب، با همت دانشگاه صنعتی امیرکبیر و حمایت وزارت جهاد کشاورزی در روز پنج‌شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۹۴ برگزار گردید. در انتهای این نشست که با حضور جمعی از مسئولین، کارشناسان و متخصصین حوزه‌های تخصصی مختلف مرتبط از وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و وزارت صنعت، معدن و تجارت برگزار گردید، بیانیه‌ای مشتمل بر ۲ بخش اصلی و ... بند صادر گردید. بخش اول بیانیه به تشریح شرایط موجود کشور در ارتباط با آب و امنیت غذایی پرداخته و در بخش دوم راه‌کارها، پیشنهادات، ملاحظات و اعلام نیازهایی جهت دستیابی به اهداف مندرج در اسناد بالادستی ارائه گردیدند. در ادامه بیانیه هم‌اندیشی آمده است.

بخش نخست: بیان شرایط فعلی کشور در ارتباط با آب و امنیت غذایی

۱. تعریف امنیت غذایی به شکل "دسترسی افراد جامعه به محصولات غذایی سالم و کافی در هر زمان و مکان" مورد توافق و تفاهم کلیه صاحب‌نظران قرار دارد.

۲. رئوس شش‌گانه اصلی تأمین امنیت غذایی شامل موارد ذیل است:

- میزان تولید مواد غذایی
- اقتصاد جامعه
- سطح درآمدی جامعه
- چگونگی توزیع محصولات
- نحوه ذخیره مواد غذایی
- سلامت مواد غذایی



۳. امنیت غذایی مسئله‌ای ملی بوده و به کلیه سازمان‌های اجرایی کشور مرتبط است. امنیت غذایی معمولاً با چند شاخص ساده ارزیابی می‌شود. سه شاخص اصلی تاکنون در جهان در زمینه‌ی امنیت غذایی مورد وثوق قرار گرفته است:

- شاخص انرژی

- شاخص پروتئین

- شاخص ریزمغذی‌ها و مواد معدنی

از این میان شاخص انرژی از کاربرد بیشتری برخوردار است. بر اساس این شاخص مصرف کمتر از ۱۲۰۰ کیلوکالری به ازای هر نفر در روز، به‌عنوان سوءتغذیه حاد، زیر ۱۶۰۰ کیلوکالری به ازای هر نفر در روز به‌عنوان آستانه سوءتغذیه و مصرف بیش از ۲۸۰۰ کیلوکالری به‌عنوان آستانه پرخوری محسوب می‌گردد.

۴. از منظر شاخص انرژی با توجه به جدول سنی و وزنی کشور، ۲۳۶۰ کیلوکالری به ازای هر نفر در روز مقدار انرژی متوسط کافی برای کشور ایران است.

۵. وضعیت کلی کشور ایران از لحاظ شاخص انرژی مناسب بوده، در حالی که از لحاظ خوداتکایی، ۴۵ درصد از سهم انرژی موردنیاز مردم ایران با واردات از خارج از کشور تأمین می‌شود.

۶. میزان خوداتکایی کشور ایران در برنامه ده‌ساله تدوین شده در سال ۱۳۸۲، برابر با ۷۲ درصد پیش‌بینی شده که در شرایط فعلی فاصله زیادی تا آن درصد وجود دارد.

۷. خوداتکایی در تأمین امنیت غذایی کشور ایران از سال ۱۳۶۸ (نخستین سال از اولین برنامه توسعه اقتصادی کشور) تا سال ۱۳۹۳، با تأثیرپذیری بالا از سیاست‌های کشور و تغییرات آب و هوایی، دچار نوسانات زیادی بین ۵۳ تا ۸۱ درصد شده است.



بخش دوم الزامات دستیابی به امنیت غذایی با ملاحظه محدودیت‌های منابع به ویژه منابع آب

امنیت غذایی و تولید کشاورزی

۱. امنیت غذایی حداقل مطالبات قابل بررسی در سیاست‌های کلان کشور است و نیازمند آن است که پس از آن راجع به مسائل ترکیب مواد غذایی، سلامت مواد غذایی و دسترسی دهک‌های مختلف به مواد غذایی لازم و کافی پرداخته شود.
۲. با توجه به سهم مهم سلامت در امنیت غذایی، کنترل سلامت مواد غذایی، نیازمند شناسنامه‌دار شدن مزارع با هدف ایجاد امکان کنترل محل تولید، نوع و میزان مصرف کود و سم در تولید محصول و ... است.
۳. با توجه به حجم بالای دورریز مواد غذایی در کشور تا حدود ۳۰ درصد تولیدات، یکی از الزامات دستیابی به امنیت غذایی، سیاست‌گذاری جهت کاهش ضایعات تا حد "تلفات صفر"، است.
۴. خوداتکایی در تولید محصولات کشاورزی بایستی زیر چتر امنیت غذایی قرار گیرد. در این راستا مفهوم آب مجازی، کشت فرا سرزمینی، کاهش ضایعات بخش کشاورزی و استفاده از الگوهای کشت با ارزش اقتصادی بالا (که منجر به افزایش GDP کشور نیز خواهند شد)، در تدوین سیاست‌های کلی بایستی مورد توجه قرار گیرند.
۵. افزایش ضریب خوداتکایی در تأمین امنیت غذایی، لزوماً به معنی افزایش کمی مصرف آب در کشور نیست.
۶. اهمیت صنایع غذایی با توجه به اشتغال‌زایی، کاهش ضایعات مواد غذایی و ایجاد ارزش افزوده در تدوین ضریب خوداتکایی حائز اهمیت است.

محدودیت‌های منابع و ارتباط آن با امنیت غذایی

۷. زمین کشاورزی بستر طبیعت ایران است و به منظور حفظ پایداری سرزمین کاهش ردپای اکولوژیک و بهبود رد دست اکولوژیک در تولید محصولات کشاورزی ضروری است.
۸. توجه به این نکته ضروری است که "منابع آب کشور ظرفیت پذیرش سطح زیر کشت مازاد بر سطوح موجود را ندارد".



۹. در برنامه‌ریزی برای تولید و تأمین امنیت غذایی، توجه به تاب‌آوری و توان خود پالایی منابع آب ضروری است.

۱۰. محدودیت منابع آب، پایین بودن بهره‌وری آب، عدم استفاده از تکنولوژی‌های کارآمد و به‌روز و محدودیت زیرساخت‌ها سبب شده است که کشور ایران برنامه‌ای برای افزایش ضریب خوداتکایی در تأمین امنیت غذایی تا حد ۱۰۰ درصد را نداشته باشد. چرا که ناپایداری ناشی از آن ممکن است قابل جبران نباشد.

۱۱. مطابق ارزیابی‌های صورت گرفته، با توجه به محدودیت منابع آب کشور، در صورت فراهم کردن امکانات و تکنولوژی‌های مورد نیاز، ظرفیت پایدار کشاورزی جهت خوداتکایی در تأمین امنیت غذایی تا حداکثر ۸۱ درصد قابل دستیابی است؛ بنابراین خودکفایی به معنی انجام فعالیت ناپایدار در کشور به دلیل عدم وجود فناوری‌های یا بهره‌برداری پایدار از منابع قابل حصول نخواهد بود.

۱۲. بر اساس ابلاغیه وزارت نیرو و بر اساس ارزیابی‌های صورت گرفته در راستای پایداری سرزمین، حداکثر ۶۰ درصد از کل منابع آب تجدیدپذیر (بازگشت‌پذیر) کشور را می‌توان به‌عنوان آب قابل برنامه‌ریزی تلقی نمود. برای برنامه ششم توسعه این عدد معادل ۶۹ درصد مد نظر قرار گرفته و امید است در برنامه‌های بعد بازنگری و یا کاهش این درصد، مورد توجه قرار گیرد.

۱۳. هرگونه تعیین ضریب خوداتکایی کشور در تأمین امنیت غذایی، می‌بایست با لحاظ حجم منابع آب تجدیدپذیر کشور و میزان سقف مجاز ۶۰ درصد قابل برداشت از آن، توان اکولوژیک و سهم محیط زیست از منابع، صورت گیرد. همچنین توجه به این نکته ضروری است که عوامل مؤثر در تعیین توان اکولوژیک شامل شرایط اقلیمی، آب، خاک و تکنولوژی در دسترس می‌باشند.

۱۴. علاوه بر محدودیت منابع آب قابل برنامه‌ریزی کشور، پایین بودن بهره‌وری آب، ضعف کاربرد تکنولوژی‌های کارآمد در فرآیند تولید، محدودیت زیرساخت‌ها و نبودن مشارکت مؤثر مردمی در کلیه زمینه‌ها مهم‌ترین موانع دستیابی به حداکثر خود اتکایی در تأمین امنیت غذایی به شمار می‌آیند.



بهره‌وری تولید و امنیت غذایی

۱۵. افزایش بهره‌وری آب در تولید مواد غذایی در سه سطح گیاه، مزرعه و حوضه آبریز قابل برنامه‌ریزی و پیگیری است.

۱۶. سهم ۳/۵ درصدی افزایش بهره‌وری در تأمین ۸ درصد رشد اقتصادی در برنامه ششم، می‌تواند به عنوان فرصتی با عنوان بهره‌وری سبز در تمامی زمینه‌ها به ویژه تولید محصولات کشاورزی مورد توجه قرار گیرد. الزامات دستیابی به بهره‌وری سبز تولید پاک، مصرف آب کمتر، انرژی کمتر، سم و کود کمتر، تولید پسماند کمتر، حمل و نقل پاک و بازننگری در سبک نگهداری و الگوی سالم مصرف است.

۱۷. به منظور افزایش بهره‌وری و کاهش برداشت از منابع، تدوین الگوی مناسب برای ترکیب آب و خاک در فرآیند تولید محصولات کشاورزی (افزایش بهره‌وری آب و خاک در فرآیند تولید)، ضروری است.

حکمرانی آب و امنیت غذایی

۱۸. در مواجهه با بحران آب کشور و چالش‌های ناشی از آن در تأمین امنیت غذایی، توجه به دو رکن اساسی حکمرانی بهینه آب و افزایش بهره‌وری مصرف آب ضروری است.

۱۹. اصلاح ساختار مدیریت آب کشور بایستی از تدوین فرایندهای مرتبط برای این کار آغاز شود و به قالب‌های ساختاری مدیریتی منتهی شود.

۲۰. تحقق تقویت خوداتکایی نیازمند تقویت مدیریت آب، عرضه مناسب تکنولوژی، توسعه فناوری‌ها و اصلاح سیاست‌گذاری‌ها است.

امنیت غذایی و مشارکت مردم و متخصصان

۲۱. حکمرانی بهینه آب که از طریق مدیریت جامع منابع آب در حوضه‌های آبریز (مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع آب) قابل دستیابی است، بدون رعایت حقوق گروداران و مداخله مناسب آنان در کلیه زمینه‌ها، به نتیجه مطلوب خود نخواهد رسید.



۲۲. در حکمرانی بهینه آب، می‌بایست سطح درگیری گروه‌داران کاهش و متناظر با آن عمق درگیری آنان افزایش یابد. فرهنگ‌سازی و افزایش مشارکت مردمی در حل معضلات منابع آب به عنوان یکی از مؤثرترین راه‌کارها در سطح جهان شناخته شده است.

۲۳. راه‌اندازی شوراهای حوضه آبریز و شوراهای هماهنگی دشت‌ها، می‌تواند گام برجسته‌ای در راستای سرعت بخشیدن به اصلاح مدیریت منابع آب و تأمین حکمرانی پایدار آب باشد.

۲۴. ایجاد شفافیت، مشارکت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مدیریت جامع و به‌هم‌پیوسته منابع آب، افزایش بهره‌وری در مصارف آب، اصلاح الگوی تولید و مصرف، اصلاح الگوهای توسعه کشور، بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در سرمایه‌های اجتماعی و مبنا قرار دادن مدیریت تقاضا به جای عرضه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به منابع آب، مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه‌های حکمرانی پایدار منابع آب و تأمین و تضمین امنیت غذایی کشور می‌باشند.

۲۵. همکاری سازمان‌های ذی‌ربط با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به منظور بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های علمی - پژوهشی دانشگاه در حوزه مدیریت منابع آب راهکاری مناسب جهت پیاده‌سازی حکمرانی پایدار منابع آب کشور است.

۲۶. تقویت مشارکت گروه‌داران در بخش آب و کشاورزی نیازمند اقدامات و زیرساخت‌هایی به شرح زیر است:

الف- طراحی مکانیسم مناسبی برای مشارکت شوراهای حوضه‌های آبریز،

ب- آموزش گروه‌داران در راستای درخواست مطالبات خود از بخش دولتی،

پ- استفاده از درس‌آموخته‌های میراث فرهنگی و نظام‌های بهره‌برداری از منابع آب در گذشته

جهت ایجاد نگاهی عمیق به مدیریت حوضه‌ای و مشارکت مردم و تبدیل آن به یک باور،

ت- تغییر فرهنگ سازمانی در بخش دولتی،



۲۷. جلب سرمایه‌های اجتماعی به کمک وضع قانون یا صدور دستورالعمل امکان‌پذیر نبوده و نیازمند طراحی ساختاری انعطاف‌پذیر و متناسب با شرایط است. در این راستا استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی کارآمدتر از بخش دولتی خواهد بود.

۲۸. حل معضل عدم اعتماد بین مردم و دولت برای جلب مشارکت یک ضرورت است.

الزامات مدیریت منابع آب برای تأمین امنیت غذایی

۲۹. به منظور استفاده بهینه از منابع آب کشور، در کنار تحویل حجمی بایستی بهره‌وری آب هم مدنظر قرار گیرد. علاوه بر حجم آب تحویلی به بخش کشاورزی، نوع، حجم، کیفیت و ارزش افزوده محصولات تولید شده نیز از اهمیت برخوردار است. این اقدام در قالب سامانه حسابداری ملی آب در حال عملیاتی شدن است.

۳۰. انجام سریع و صحیح طرح تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی (کاهش ۱۱ میلیارد مترمکعبی مصارف آب‌های زیرزمینی)، به عنوان نخستین و مهم‌ترین گام در راستای حکمرانی پایدار منابع آب کشور است. این گام نیازمند همکاری و تشریک مساعی جدی وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت کشور (استانداری‌ها)، صداوسیما و سایر رسانه‌های جمعی، قوه قضائیه و از همه مهم‌تر بهره‌برداران منابع آب است.

۳۱. در کنار حفاظت از منابع آب باید به حفاظت از معیشت مردم نیز توجه نمود.

تحولات ساختاری در مدیریت و حکمرانی منابع آب

۳۲. رسیدن به یک آمایش سرزمین متناسب با محدودیت منابع آب، یک ضرورت است.

۳۳. حکمرانی آب را نمی‌توان به‌تنهایی تغییر داد، چراکه این حکمرانی جزوی از حکمرانی کلان کشور است

۳۴. اقدامات اصلاحی در مدیریت و حکمرانی آب باید همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را شامل شوند.



۳۵. بهبود انسجام بین سطوح خرد، میانی و کلان در حکمرانی یک ضرورت است و باید برای آن مکانیسم‌های مناسبی را طراحی نمود و بکار گرفت.

۳۶. از بین بردن شکاف زیاد میان دانش تخصصی و عملکرد اجرایی در کشور می‌تواند مؤثرترین عامل برای مدیریت پایدار، کارآمد و به‌هم‌پیوسته منابع آب تلقی گردد.

۳۷. تغییر فرهنگ سازمانی در بدنه دولت نیز بسیار ضروری است چرا که مدیریت آب یک امر فرابخشی است و کارشناسان به‌عنوان موتور محرکه باید بتوانند خود را ابراز کنند.

۳۸. فارغ از اهمیت تأمین آب شرب و نیاز محیط زیست و تأمین امنیت غذایی کشور، با توجه به کارایی و عملکرد بالای آب در بخش صنعت و نقش پیش‌بینی‌شده برای این بخش در رشد اقتصادی کشور، اولویت تخصیص آب از نظر وزارت نیرو، به بخش صنعت تعلق دارد.

جمع‌بندی: دبیرخانه علمی نشست